در بخش اول جلسه کمیته بازرگانی انجمن
پسته ایران در مورد باقیمانده سموم بررسی شد

چالش‌ها و مسائل

بخش اول جلسه کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران با محوریت بررسی چالش‌ها و مسائل مبتلابه برگزار شد. گزیده‌ای از مباحث طرح شده در این جلسه را در ادامه می‌خوانید.


دنیس‌کتابی


بهرام‌آگاه


سهیل‌حمیدی


کیانوش‌رنجبر


حسین‌مهرابی

۲۰ سال عقب هستیم

دنیس کتابی- موضوع باقیمانده سموم مسئله جدیدی نیست و از چند سال قبل شروع شده، اما الان سخت‌گیری‌ها خصوصاً در بازار اروپا روی این موضوع بیشتر شده‌است. درحالی‌که ما در مورد مدیریت باقیمانده سموم بیست سال عقب هستیم.

آلودگی افلاتوکسین در پسته را در کارخانه و از طریق تکنولوژی، ماشین آلات خاص و پروتکل‌های مختلف می‌توان کاهش داد. اما متأسفانه اگر پسته یا مغز سبز پسته باقیمانده سموم داشته‌باشد کاری نمی‌توان کرد. ما در زمینه باقیمانده سموم اطلاعات بسیار کمی داریم و هنوز نمی‌دانیم هر سمی چه اثری روی میوه پسته باقی می‌گذارد؛ چون تحقیقات مدونی در ایران انجام نشده‌است. مشکل دیگر، کوچک بودن حجم بارهای ارسالی مغز سبز است. هر یک از محموله‌ها تحت شرایط مختلف در باغ تولید شده‌اند و سموم مختلفی روی آنها استفاده شده که خیلی مدیریت کار را برای صادرکننده سخت می‌کند.

۵ نکته در مواجهه با باقیمانده سموم

بهرام آگاه- عمده مشکلات در مواجهه با باقیمانده سموم را می‌توانم در پنج مورد خلاصه کنم؛

۱- حدودی که در مورد میزان باقیمانده سموم در اتحادیه اروپا و ژاپن تعیین شده از هیچ منطقی در زمینه اثر بر سلامت انسان پیروی نمی‌کند و به‌شدت سخت‌گیرانه هستند. البته چند سال پیش فعالین صنعت پسته کالیفرنیا برای عموم سمومی که در کشاورزیِ کالیفرنیا استفاده می‌شود در اتحادیه اروپا لابی کردند و توانستند حدود مجاز بعضی از آن سموم را اصلاح کنند. خوشبختانه، این اقدام آمریکایی‌ها در مورد بعضی از آن سموم به نفع صنعت ما هم تمام شده‌است. شخصاً به کمک کردن دولتمان خوشبین نیستم، مگر اینکه بتوانند مثل صنعت پسته کالیفرنیا با اتحادیه اروپا برای افزایش حدود باقیمانده سموم رایزنی کنند.

۲- عدم یکنواختی نتایج آزمایشگاه‌های

مختلف به‌علت متفاوت بودن تکنولوژی‌ها و دستگاه‌های مختلفی که هر یک استفاده می‌کنند. این موضوع پیچیدگی‌های زیادی ایجاد می‌کند. شما با هر منطقی که قرارداد تجاری ببندید و نمونهٔ کالای خود را در ایران تست کنید، با توجه به توانایی پایینی که آزمایشگاه‌های کشور دارند به عدم تطابق‌های بسیاری زیادی با نتایج آزمایشگاه‌های اروپا و ژاپن برمی‌خورید. این عدم تطابق در نتایج آزمایش در مورد یک سم، حتی در آزمایشگاه‌های داخل اتحادیه اروپا نیز مشاهده شده‌است.

۳- نحوهٔ مدیریت کردن محموله‌های ایرانی آلوده به باقیمانده سموم دشوار شده‌است. این کار در اروپا نسبت به گذشته به‌شدت سخت‌تر و پرهزینه‌تر شده‌است؛ قبلاً کنترل محموله‌ها در بازار اتحادیه اروپا به‌طور یکنواخت انجام نمی‌شد و دسترسی به بازارهای متفرقه در اروپا راحت‌تر بود. در گذشته مدیریت محموله‌هایی که مسئله باقیمانده داشتند امکان‌پذیر بود، اما امروزه محدودیت‌های بیشتری ایجاد شده‌است.

مسئله باقیمانده سموم با مسئله افلاتوکسین خیلی فرق دارد و این تفاوت به نوع آلودگی بر می‌گردد. آلودگی‌ها در صنایع غذایی به دو بخش همگن و ناهمگن تقسیم می‌شوند. آلودگی‌های همگن به‌طور یکنواخت در کالا پخش می‌شوند و آلودگی‌های ناهمگن (مثل افلاتوکسین) یکنواختی ندارند؛ یعنی اینکه تمام پسته‌ها آلودگی به افلاتوکسین ندارند. به‌همین دلیل آلودگی افلاتوکسین را می‌توان با دانش فنی و تکنولوژی‌های مختلف به نحوی مدیریت کرد، دانه‌های پر ریسک را تشخیص داد و از محموله تجاری خارج کرد. اما مسئله باقیمانده سموم چون در دستهٔ آلودگی‌های همگن قرار می‌گیرد و در باغ اتفاق می‌افتد، بعد از باغ به‌جز کنترل هیچ کار خاصی دیگر نمی‌توان انجام داد.

۴- وجود صنعت قدرتمند امنیت غذایی در اروپا. صنعت کنترل‌های بهداشتی یک صنعت چند میلیارد دلاری است که منافع آن عموماً در راستای بالا بردن هر چه بیشتر حساسیت‌ها است، چون طبیعتاً با این کار نیاز به استفاده از سرویس‌های خود را بالا می‌برند. تاریخ نشان داده که عموماً مقامات بهداشتیِ کنترل امنیت غذایی در خیلی از بازارهای دنیا اکثر اوقات مشغول لابی کردن برای افزایش سختگیری‌ها در این زمینه بوده‌اند، چون منافعشان در آن راستا بیشتر تأمین می‌شود. در تمام دنیا صنعت کنترل امنیت غذایی یک صنعت خصوصی است که منافع خودش را دارد و تأثیرگذاری زیادی روی مقامات دولتی و سیاسی کشورهای مختلف دارد.

۵- صنعت پسته ما دو مشکل بزرگ ساختاری دارد و تقریباً این مشکلات به تمام بخش‌های تجاری، فنی و بهداشتی پسته هم کشیده شده‌است؛ **اولاً**: کشاورزی ما خرد است. اگر فرض کنیم می‌دانیم چه سمومی خوب و امن است و برویم استفاده از آنها را به باغداران توصیه کنیم، اما با توجه به تعدد باغداران و تولیدکنندگان پسته در ایران همه آن را اجرا نخواهندکرد. بنابراین، زمانی که ورودی پسته ما اینقدر خرد باشد و به تبع آن بخش‌های تجاری این صنعت هم خرد باشند، کنترل و نظارت بر استفاده صحیح از سموم کار بسیار پیچیده‌تر و دشوارتری می شود. این مشکل را پسته کالیفرنیا ندارد، چون با توجه به تعداد کم و مشخص فعالین صنعت پسته کالیفرنیا و مدل کشاورزی صنعتی که دارند از ابتدا تا انتهای زنجیره تأمین را در تمام سطوح می‌توانند خیلی بهتر از ما کنترل کنند و جهت دهند. **دوماً**: در عمدهٔ صنعت پسته ایران اساساً اشتراک منافع بین بخش کشاورزی و بخش تجاری وجودندارد. به نحوی که در بیش از ۹۰ درصد از صنعت پسته ما منافع بخش کشاورزی و تجاری از هم جدا است و عموماً یک نوع حالت برد و باخت به‌وجود آورده‌است. تجار به طور مستقیم با مسائلی همچون باقیمانده سموم در بازارهای مصرف دست و پنجه نرم می‌کنند و با برگرداندن محموله‌های مسئله‌دار هزار و یک مشکل دارند. از آن طرف، کشاورزان به طور مستقیم درگیر این مسائل در بازارهای مصرف نیستند.

نمی‌دانیم نتایج آزمایشات درست هستند یا خیر!

سهیل حمیدی- فکر می‌کنم در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکل ما این است که نمی‌دانیم نتایج آزمایشات درست هستند یا خیر. نکته دوم که آقای آگاه هم گفتند



مربوط به حدود غیرمنطقی باقیمانده سموم در اتحادیه اروپا است.

تفاوت در میزان خطای آزمایشگاه‌ها

کیانوش رنجبر- به‌نظرمن، مشکل اصلی تفاوت در دقت و میزان خطای آزمایشگاه‌ها است. ما یک نمونه پسته را به سه قسمت تقسیم کردیم و به سه آزمایشگاه در اتحادیه اروپا فرستادیم؛ هر سه جواب متفاوت بود. وقتی که علت را جویا شدیم توجیهشان این بود که نتیجه را با یک تلورانس مثبت و منفی ۴۰ درصد ارائه می‌دهند! ما اعتراض کردیم که وقتی احتمال خطا زیاد است چرا اینقدر حدود باقیمانده سموم را پایین می‌گذارید که برای خودتان هم تشخیص صحیح آن سخت باشد؟! بنابراین، این یک مشکل بنیادی است. اتحادیه اروپا در برخورد با باقیمانده سموم به‌شدت غیرمنطقی و سخت‌گیرانه عمل می‌کند.

حضور در بازارهایی با سختگیری کمتر؟

حسین مهرابی- من می‌خواهم این موضوع را از یک زاویه دید دیگر نگاه کنم و از آقایان دنیس کتابی و بهرام آگاه که موضوع باقیمانده سموم را با مسئله افلاتوکسین مقایسه کردند، یک سوال بپرسم. قبل از بروز بحران افلاتوکسین در دهه ۹۰ میلادی، ۹۰ هزار تن پسته ایرانی به بازار اروپا می‌رفت، آیا الان که مسئله افلاتوکسین حل شده می‌توانیم به بازار اروپا ۹۰ هزار تن پسته بفروشیم؟ آیا بهتر نیست به جای اینکه آنقدر وقت و انرژی برای حل کردن مشکلات مغز سبز در بازار اروپا صرف کنیم، برویم در بازارهای دیگر که سختگیری کمتری دارند برای این محصول بازاریابی کنیم؟

اثرگذاری تنها روی ۵درصد از صادرات

بهرام آگاه- فکر کنم موضوع بیشتر فرهنگی است. ما سنتاً علاقه به بزرگ کردن مسائل داریم، بدون اینکه دقیقاً بدانیم از چه اثری داریم صحبت می‌کنیم. امروز واقعاً ممکن است حجم اثرگذاری این موضوع روی ۵ درصد از صادرات ما بیشتر نباشد، اما نوع حساسیتی که به‌وجود آمده به‌نظر نمی‌آید در حال کاهش باشد.

یقیناً امروز که داریم از معضل باقیمانده سموم در مغز سبز صحبت می‌کنیم، در حقیقت داریم در مورد یک بخش محدود و کوچک از صنعت پسته حرف می‌زنیم. همانطور که گفتید از لحاظ جغرافیایی بازارهای زیادی در دنیا هستند که حداقل فعلاً کنترل‌های کیفی به‌صورت جدی در آنها وجودندارد. حتی در همان اروپا هم کنترل‌ها یکنواخت نیست. اگر به سابقه داستان نگاه کنیم باید بگویم که همه چیز اول از مغز سبز شروع شد؛ به‌خاطر اینکه کالایی لوکس برای مصرف‌کننده نهایی محسوب می‌شود و مصرف عموماً صنعتی به‌عنوان ماده افزودنی در صنایع غذایی دارد. طبیعتاً حساسیت‌ها، چه در مورد افلاتوکسین و چه در مورد باقیمانده سموم روی مغز سبز زودتر شروع شد و کم‌کم به طرف حاد شدن رفت. اما همین امروز در اتحادیه اروپا عملاً مسائل باقیمانده سموم، نه تنها مغز سبز، بلکه به قسمت‌های زیادی از بازارهای مصرف مغز هم کشیده شده‌است. روی پسته آجیلی قطعاً هنوز به اندازه مغز سبز و مغز عادی حساسیت و سخت‌گیری وجود ندارد، هرچند این موضوع بستگی به کانال عرضه دارد. بعضی از سوپرمارکت های زنجیره ای بزرگ در اروپا که حساس به مسائل کیفی هستند، حتی روی باقیمانده سموم در پسته آجیلی هم حساسیت دارند.

در پاسخ به سوال دیگرتان که گفتید علی رغم فتوحاتی که در مورد افلاتوکسین داشتیم، چرا سقف صادراتمان به اروپا به مقدار قبل برنگشت، باید به تغییرات زنجیره تأمین در اروپا اشاره کنم. زنجیرهٔ تأمین کالای پسته در اروپا نسبت به گذشته دچار تغییرات شدید شده‌است. عاری بودن از افلاتوکسین فقط یکی از پیش‌نیازهایی است که برای عرضه کالا به سوپرمارکت‌های زنجیره‌ای صنعتی بزرگ لازم است. متأسفانه، در مورد پسته ایران پیشرفت‌هایی که صنعت پسته ما در مورد افلاتوکسین داشت همزمان بود با تغییرات بزرگی که در اروپا اتفاق افتاد و لازمهٔ باز پس‌گیری آن بازار، داشتن پیش‌نیازهای دیگری بود که بخش عمده‌ای از صنعت ما آنها را نداشت؛ از توانایی عقد قرارداد پرحجم و بلندمدت با قیمت ثابت بگیرید تا روبه‌رو بودن با مشتری‌های بزرگ اروپایی که شروط خیلی سخت‌گیرانه‌ای روی باقیمانده سموم در پسته آجیلی دارند.

اگر به سیر روند حساسیتی که راجع به مسائل بهداشتی در مواد غذایی در دنیا هست نگاه کنید، عموماً این حساسیت‌ها هرگز رو به کم شدن نبوده‌است. من نمی‌توانم با اطمینان بگویم چه زمان و کجا، ولی استنباطم این است بیش از اینکه این حساسیت‌ها حتی در مورد باقیمانده سموم در اروپا کاهش پیدا کند، ممکن است حتی در بازارهای دیگر هم در آینده سخت‌تر شود.

سیستم بازاریابی UTA (اقدامات تجاری ناعادلانه)

دنیس کتابی- در پاسخ به سوالتان که چرا علی‌رغم پیشرفت‌هایی که در مورد افلاتوکسین داشتیم، صادراتمان به اروپا به مقدار قبلی برنگشت، باید بگویم یک علت آن عملکرد پستهٔ رقیب بوده‌است. متأسفانه آمریکایی‌ها از سیستم بازاریابی UTA (اقدامات تجاری ناعادلانه) استفاده می‌کنند که خیلی باز و شفاف است و بدون رودربایستی در این سیستم از نقطه ضعف‌های رقیب استفاده می‌کنند و در طول زمان بازارها را از پسته ایرانی گرفتند. تا قبل از پیش آمدن بحران افلاتوکسین ما ۹۰ هزار تن صادرات پسته به اروپا داشتیم و صادرات آمریکایی‌ها شاید به ۵ هزار تن هم نمی‌رسید. اما رفته رفته با افزایش تولیدشان و حس کردن خطر از جانب ما، با اتکا به اقدامات ناعادلانه تجاری بازارهای پسته را از ما گرفتند.